

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: غروی نایینی، نهله؛ مرادی، محمد

عنوان و نام پدیدآور: فاطمه ع بانوی برتر.

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی نبأ، ۱۴۰۳. مشخصات ظاهری: ۷۲.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۹۹-۱

یادداشت: .

موضوع:

عنوان دیگر:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

شماره کتاب شناسی ملی:

# فاطمه ع بانوی برتر

نهله غروی نایینی، محمد مرادی

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۳

ناشر: انتشارات نبأ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ تومان | چاپخانه: هنر آفاق

طراح جلد: مهدی یار توکلی | صفحه آرائی: نادر برقی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۹۹-۱

نشانی: خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهار شیراز، کوچه مقدم،

نیش خیابان ادیبی، شماره ۲۶، طبقه سوم

تلفن: ۷۷۵۰۴۶۸۳، نشانی وب: [www.nabacultural.org](http://www.nabacultural.org)



فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ  
بانوی برتر

دو گفتار کوتاه در بارهٔ مقام علمی بلند  
صدیقهٔ کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ  
از دیدگاه دانشمندان شیعه و سنی



دکتر نهله غروی نایینی

دکتر محمد مرادی



## فهرست مطالب

سخن ناشر..... ۷

### گفتار اول:

#### فاطمه بانوی برتر / ۹

اشاره ..... ۹

۱. عمل فاطمه، مستند فتوا..... ۱۵

۲. فاطمه، راوی حدیث و سنت..... ۱۹

۳. فاطمه، قاری و مفسر..... ۲۱

۴. موقعیت ممتاز فاطمه..... ۲۱

۵. مخاطب پیامبر در تلاوت آیات ویژه..... ۲۳

۶. برخورداری فاطمه از غذای آسمانی..... ۲۴

۷. فاطمه بانوی برتر..... ۲۸

### گفتار دوم:

#### علم حضرت زهرا علیها السلام اکتسابی یا لدنی / ۴۳

اشاره ..... ۴۳

۱- صفات وراثتی..... ۴۶

۲- عوامل تربیتی..... ۴۹

۳- نعمت های الهی..... ۵۲

- ۴- نشانه‌های علم حضرت زهرا علیها السلام ..... ۵۵
- ۴-۱. معرفت و ایمان ..... ۵۶
- ۴-۲. در عبادت ..... ۵۸
- ۴-۳. در کلام ..... ۵۹
- ۴-۴. مکتوب ..... ۶۷
- نتیجه ..... ۶۸
- منابع ..... ۶۹

## سخن ناشر

خداوند متعال، در کلام جاودانه خود، قرآن- که اغراق و غلو و زیاده‌گویی در آن راه ندارد- از برخی زنان یاد کرده است. در هنگام اشاره به بانوان نیکو و موحد که واجد فضائل بودند و برای نسل‌های بعد، الگو به شمار می‌آمدند، تعبیرهایی دارد. مثلاً آسیه را به عنوان «امراة فرعون» و حضرت مریم را به نام، یاد می‌کند.

در همین کتاب محکم الهی، در مورد حضرت زهرا علیها السلام، تعبیر «دریا» به کار می‌رود، همان تعبیری که در باب امیرالمؤمنین علیه السلام به کار رفته است.

(مرج البحرین یتقیان). این گونه وصف و تعبیر، نشان از عظمتی دارد که خدای عظمت آفرین بر آن مهر تأیید زده و اوج مقام را گواهی کرده است.<sup>۱</sup>

درباره این دریای موج آفرین، ابعاد گوناگون عظمت آن، و بهره‌هایی که از آن می‌توان گرفت، مباحث زیادی گفته نشده است. البته کتابهای زیادی درباره حضرت صدیقه کبری علیها السلام نوشته‌اند و درباره حضرتش بسیار سخن گفته‌اند، ولی جای

برخی مباحث بطور جدی، سخت خالی مانده است.

یکی از این مباحث، «علم حضرت زهرا علیها السلام» است که یک روی سکهٔ فضیلت آن بانوی بانوان، بلکه یک وجه از منشور چند بُعدی عظمت آن بزرگ بانو است.

کتاب حاضر، دو گفتار کوتاه در این موضوع است، که یکی مطلب را فقط از دریچهٔ نگاه دانشمندان شیعی و دیگری فقط از زاویهٔ دانشوران سنی دیده و گزارشی از آن نگرش در قالب نگارش آورده است.<sup>۱</sup>

بی تردید، این موضوع بسیار مهم، جای بحث گسترده‌تر و ژرف‌تر دارد، گرچه بالاترین بیان ما، در برابر اوج مقام آن بزرگ بانو، باز هم نارسا و ناتمام است.

امید که نارسایی این بیان، به یمن نظر بلند رسای قلّهٔ عظمت و جلالتِ بانوی بانوان جبران گردد و امضای تأیید و نگاه رحمت فرزند برومندش حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را در پی داشته باشد.

مؤسسه فرهنگی نبأ

شعبان ۱۴۳۳ - تیر ۱۳۹۱

---

۱. شایان ذکر است که گفتار جناب استاد مرادی، نخستین بار در فصلنامه گرامی بینات، شماره منتشر شده بود که با اجازهٔ خودشان، در اینجا می‌آید. گفتار خانم دکتر غروی برای نخستین بار انتشار می‌یابد که از حُسن نظر هر دو گرامی تشکر می‌شود.

# گفتار اول: فاطمه بانوی برتر



کاوشی در شخصیت بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام  
کمتر ناگفته‌های دانشمندان نامور اهل سنت دربارهٔ

فاطمه علیها السلام

## اشاره

نخستین اثر فرهنگی و تمدنی جهان اسلامی، حدیث نگاری است. از برکت شروع نگارش حدیث بود که دیگر آثار دینی و فرهنگی و فکری اسلامی مانند تفسیر و تاریخ و فقه و کلام رویید و جان گرفت و بالید و نقش آفرید و انسان‌های شایسته‌ای را به خود دل بسته کرد. در میان آثار پیشینیان ما، بخشی از نوشته‌های حدیث نگاران و یا تمامی آن‌ها که به کتاب‌های دیگر راه یافته، به ذکر فضایل نبی گرامی و خاندان آن قافله سالار عشق دین، اختصاص یافته است. و این از آن رو بود که بخشی از آموزه‌های دینی؛ چه در قرآن و چه در کلام

پیامبر، به این موضوع ویژه شده بود و نیز از این رو بود که آدمیان به خو و خصلت‌های برتر انسانی، توجه ویژه دارند و برایشان انسان‌های شریف، بزرگ، صادق، درست و آسمانی، ستودنی‌اند و شایسته پیروی. خاندان پیامبر این ویژگی‌ها را داشتند و از آنجایی که پیشوای دینی مردمان و الگوی رفتاری یک انسان مسلمان بشمار می‌آیند، مؤلفان نیز بر خود فرض می‌دانستند که این جنبه از حیات آن بزرگان را در نوشته‌های خود بازتاب دهند تا به دو منظور و مقصود تألیف خود، جامه عمل پوشانده باشند.

ذکر این فضایل، اگر چه بعدها مایه پاره‌ای کشمکش‌های کلامی و عقیدتی و نیز علمی شد، و در عین حال، مبالغه‌گویی و غلو در شخصیت‌های مورد احترام را به دنبال داشت، و کسانی را واداشت که به گزاف، درباره ناهلان فضیلت تراشی کنند و احیاناً درباره شایستگان زیاده‌روی نمایند و سنتی نادرست هم نهاده شد، اما در جای خود، نشان و علامت و جهتی برای حقیقت‌طلبان نیز گردید.

فضل و فضیلت، در فرهنگ و ادبیات ملت‌ها جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده و هر ملتی کوشیده مفاخر و برجستگی‌های ملی و منطقه‌ای و شخصیتی و هویتی و نسلی و فرهنگی و تمدنی خود را بیشتر بنمایانند و آثار نیاکان خود

را پاس بدارد و داشته‌ها و مفاخر خود را تعظیم کند و به آن‌ها مباحثات نماید. چنین رفتاری گاه تبدیل به آیینی جمعی شده و روزهایی برای بزرگداشت آن اختصاص یافته که ملتی به هویت گذشته خویش بیندیشد و ریشه‌های خود را باز یابد.

البته این برجسته‌سازی و مفاخره، همواره نتیجه فرهنگی مطلوب نداده و گاه به منازعه و کشمکش و بد اخلاقی نیز انجامیده است. در این میان، اشعار و نثرهای ادبی ماندگاری که به جهت طرفداری از قوم، سرزمین، آیین، ملت، قهرمان، زبان و نیاکان خود و هجو و هزل طرف مقابل نوشته و یا سروده شده، فراوان و چشمگیر پدید آمد و آثار زیادی از سوی نویسندگانی چند به اوراق دفترها و کتاب‌ها راه یافت.<sup>۱</sup>

این مفاخره‌ها، چندان پرقوت و همه‌گیر بود که گاه به پیش پیامبر هم کشیده می‌شد. بنو تمیم، با شاعر و خطیبشان نزد پیامبر آمدند و تفاخر کردند و بالیدند و گفتند:

---

۱. برای نمونه نگاه کنید به: المفاخره بین الدمشق و قاهرة نوشته شمس‌الدین ابویوسف محمد بن احمد البساطی (۷۵۶-۸۴۲): تنبیه و سن العین فی المفاخره بین السبطین، اثر نجم‌الدین محمد بن علی عاملی کرکی؛ المفاخره بین السیف و القلم، تألیف ابوحفص احمد بن محمد اندلسی؛ زهر الجنان فی المفاخره بین القندیل و الشمعدان، نگاشته تاج‌الدین عبدالباقی بن عبدالمجید بمانی (م ۷۴۳)؛ الطرازین المعلمین فی بنی السبطین تألیف سید جمال ضیاء‌الدین الهادی الصنعانی (م ۷۸۴).

أتیناک کيما يعرف الناس فضلنا  
 و اذا خالفونا عند ذكر المكارم  
 و انا رؤوس الناس من كل معشر  
 و ان ليس في الأرض الحجار كدارم  
 و ان لنا المرباع في كل غارة  
 تكون بنجد أو بأرض البهائم؛

به پیش تو آمده ایم تا مردم فضیلت ما را بشناسند؛ آن گاه که  
 هنگام یاد کرد از بزرگواری ها، آنان با ما مخالفت می کنند.

ما در اوج و بلندای هر گروهی هستیم و هیچ سنگی  
 در زمین مانند سنگ های «دارم» نیست.  
 یک چهارم هر غنیمتی، از آن ماست، که در سرزمین  
 نجد و یا بهائم است.

پیامبر چون دید که آن ها بسی به خود می بالند، به حسان  
 دستور داد که جواب آنان را بدهد. و وی چنین سرود:

بنی دارم لاتفخروا انّ فخرکم  
 يعود وبالاً عند ذکر المکارم  
 هب لکم علینا تفخرون و اتمم  
 لنا خول من بین ظر و خادم  
 ای بنی دارم، به خود مبالید که بالیدن شما، هنگام

یاد کرد از بزرگواری‌ها باری برگردنتان خواهد بود.  
بی‌خردی کردید. بر ما تفاخر می‌کنید، در حالی که  
شما برای ما پیش خدمتانی دایه و خادمید.

باری، چنین است که هر قومی هویتی دارد و بر آن هویت  
می‌زید و بر آن می‌میرد و آن را بزرگ می‌دارد و از فضایل و  
مکارم آن دم می‌زند. این از خوی و منش همه ملت‌هاست  
و گویی غریزه‌ای از نهاد آدمیان برخاسته است. طرح  
پاره‌ای فضایل انسانی دربارهٔ برخی مردان و زنان بزرگ،  
ریشه در چنین اعماقی دارد و درست آن، درست و پسندیده  
است. از همین رو تلاش شده تا بماند و تا انسان‌ها را در  
زیر سایهٔ چتر فرهنگ پرور خود بگیرد و از نادرستی‌ها پاک  
و پالایش گردد.

از جمله شخصیت‌های تحسین برانگیز و ماندگار، دختر  
گرامی پیامبر، و همسر وصی آن حضرت، فاطمه زهرا رضی الله عنها  
است. این بانوی بزرگ، براساس نقلی از حضرت رسول خدا،  
ام‌ابیه‌القب گرفت<sup>۱</sup> و این از آن رو بود که محبوب پیامبر بود  
و خواجهٔ عالم او را از جان و دل دوست داشت.

پیامبر چهار دختر به نام‌های فاطمه، رقیه، زینب، ام

کثوم و دوپسربه نام‌های ابوالقاسم و عبدالله داشت که پنج‌تن از آنان در زمان حیات ایشان درگذشتند و تنها فرزند باقی مانده بعد از ایشان، فاطمه بود، نخستین‌تن از خاندان حضرت ختمی مرتبت که چند ماهی پس از گذشت رسول خدا، به پیامبر پیوست، چنانکه از ایشان به تعبیر «هی‌اول من لحقه من بعده» یاد شده است.<sup>۱</sup>

درباره این بانوی بزرگوار، عموم مفسران در ذیل آیات مباحله<sup>۲</sup>، تطهیر<sup>۳</sup>، مودت<sup>۴</sup> و ابرار<sup>۵</sup>، بسیار سخن‌ها ادا کرده‌اند و بسیاری از آن‌ها در نوشته‌ها و گفته‌ها بازتاب یافته و یا می‌یابد که این مقال، در صد بازگویی آن‌ها نیست. در این نوشته، از زاویه دیگری به شخصیت این بانوی اول، در نظر و کلام مفسران پرداخته می‌شود. و تنها بخشی از آن دسته از نوشته‌های مفسران اهل سنت که در آیاتی به جز آیات مربوط به آن بانوی یگانه، داد سخن داده‌اند، گزارش و تحلیل می‌شود.

مفسران اهل سنت، از این زاویه‌ها به مقام و شخصیت

۱. الجامع لاحکام القرآن، ۲۴۱/۱۴.

۲. آل عمران، آیه ۶۱.

۳. احزاب، آیه ۳۳.

۴. شوری، آیه ۲۳.

۵. انسان، آیات ۱-۵.

فردی فاطمه نگریسته‌اند و درباره‌ی ایشان نوشته‌اند:

### ۱. عمل فاطمه، مستند فتوا

در میان فقیهان، بسیار اندک‌اند کسانی که عمل دختر پیامبر را مبنای نظر و اجتهاد خود قرار دهند و بر آن اساس فتوا صادر کنند، هر چند کم نیستند کسانی که آن حضرت را دارای مقام عصمت و جایگاه و رتبه‌ای والا می‌دانند. اما برخی مفسران در تفسیر آیه و یا آیاتی از احکام قرآن، در استدلال و استنباط فقهی به عمل زهرای اطهر توجه داشته و به آن اشاره کرده‌اند و یا آن را مستند نظر خویش قرار داده‌اند.

به عنوان نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. ابن عطیه (م ۵۴۶ هـ) در آیه‌ی مربوط به آداب شرکت در مهمانی پیامبر، و توصیه به پرهیز از هم‌سخنی با همسران پیامبر جز از پشت پرده، از اهمیت حجاب زنان بحث کرده و آن‌گاه به مناسبت، ماجرای سفارش فاطمه به ساختن تابوتی برای حمل جنازه‌ی خود را آورده است.<sup>۲</sup>
- دیگران ماجرا را از زبان اسماء دختر عمیس، چنین

---

۱. احزاب، آیه ۵۳.

۲. المحرر الوجیز/۳۹۶.

آورده‌اند:

خليفةٔ دوم در تشيع جنازهٔ زينب دختر جحش، يکي از همسران پيامبر، دستور داد که برای رعایت حرمت و حجاب او، جز محارم زينب در تشيع وی شرکت نکنند. اسماء به وی آموخت که جنازهٔ او را در داخل تابوتی بگذارند که بدن وی دیده نشود. و به وی گفت که او در دوران هجرت در حبشه، دیده که مردم برای حمل جنازه‌های خود از چنین وسیله‌ای استفاده می‌کرده‌اند و ادامه داده که خود او به توصیهٔ فاطمه، جنازهٔ آن بانو را هم چنین کرده است. صنع ذلک فی جنازة فاطمة بنت النبی.<sup>۱</sup>

ابو حیان (م ۷۴۵ هـ)<sup>۲</sup> آن را در تفسیرش آورده و قرطبی (م ۶۷۱ هـ)<sup>۳</sup> هم به تبع ابن عطیه، این ماجرا را در تفسیرش نقل کرده است.

نقل ماجرای سفارش فاطمه به ساختن تابوتی که بدن وی در داخل آن هنگام تشييع دیده نشود، به مناسبت بحث از حجاب و دور بودن زن از نگاه نامحرم، گویای این است

۱. الجامع لاحکام القرآن، ۳۰/۱۴؛ روح المعانی، ۷۵/۲۲؛ البحر المحيط، ۲۳۸/۷.

۲. البحر المحيط، ۲۳۸/۲.

۳. الجامع لاحکام القرآن، ۲۳۰/۱۴.

که این دسته از مفسران، برای آن سفارش، اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و اگر از آن دلیلی بر نظر فقهی‌شان استفاده نکرده‌اند، گویی آن را امری بسیار پسندیده و روا دیده‌اند.

۲. قرطبی، به مناسبت تفسیر آیه ۲۱ سوره کُهِف، بحثی نسبتاً تفصیلی دربارهٔ ساختن مسجد بر روی قبور و دفن اموات در مسجد، و بنای ساختمان بر قبر دارد، و اشاره می‌کند که چیدن سنگ بر روی قبر برای علامت گذاری مانعی ندارد، آنگاه نوشته است:

لابأس بوضع الأحجار لتكون علامة؛ لما رواه أبو بكر الأثرم قال: حدثنا مسدد، حدثنا نوح بن دراج، عن أبان بن تغلب، عن جعفر بن محمد قال: كانت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تزور قبر حمزة بن عبدالمطلب كل جمعة و علمته بصخرة؛ اسنگ گذاشتن بر روی قبر به منظور علامت گذاری، مانعی ندارد؛ به دلیل روایتی که ابوبکر اثرم نقل کرده و در آن آورده که مسدد روایت کرده که ... فاطمه، دختر پیامبر خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، هر جمعه به زیارت قبر حمزه می‌رفت و آن را با سنگ علامت گذاری کرده بود.

همان گونه که از تعبیر «لابأس بوضع الأحجار» روشن است، این مفسر به وضوح نظر فقهی خود را در علامت گذاری

بر قبر، به عمل فاطمه مستند کرده و براساس آن، این کار را روا شمرده است.

ابن حجر (م ۸۵۲ هـ) موضوع را از زاویه دیگری بحث کرده و آن، جواز زیارت اهل قبور برای زنان است که به نقل از حاکم،<sup>۱</sup> به عمل حضرت زهرا تمسک کرده است. وی چنین می نویسد:

وللحاکم من حدیث علی بن الحسین أن فاطمة بنت النبی صلی الله علیه و آله، کانت تزور قبر عمّها حمزة کل جمعة فتصلی و تبکی علیه؛<sup>۲</sup> حاکم روایت علی بن الحسین (امام زین العابدین) را نقل کرده که فاطمه دختریامبر خدا- که درود و سلام خدا بر او باد- در هر جمعه، قبر عمویش حمزه را زیارت می کرد و بر آن می گریست. و بدین ترتیب، وی حضور زنان را با استناد به عمل حضرت زهرا براساس نقل حاکم، روا دیده است.

همین کار را بیهقی حدیث نگار (م ۴۵۸) هم در کتابش با عنوان «ما ورد فی دخولهنّ فی عموم قوله فزوروها»، آورده است.<sup>۳</sup>

۱. المستدرک، ۱۷۷/۱.

۲. تلخیص الحبیر، ۲۴۸/۵.

۳. السنن، ۷۸/۴.

۳. قرطبی در تفسیر کلماتی که خداوند با آن‌ها ابراهیم را آزمود<sup>۱</sup> بیست مسئله را مورد بحث قرار داده از جمله ختنه که می‌گوید: یکی از چیزهایی که ابراهیم به آن آزموده شد، اختتان است. و به مناسبت از سنت ختنه سخن به میان آورده و بحث کرده و از جناب فاطمه نقل کرده است که:

روی عن فاطمه أنَّها كانت تختن ولدها يوم السابع<sup>۲</sup>؛ از فاطمه روایت شده که وی فرزندش را در روز هفتم ختنه می‌کرد.

## ۲. فاطمه، راوی حدیث و سنت

جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان راوی حدیث نبوی در آثار تفسیری و در تفسیر احکام و یا برخی از رویدادهای مربوط به زندگی و سیره پیامبر، از جمله نکته‌هایی است که مفسران به آن توجه کرده و در تفسیر خود آورده‌اند. برای نمونه به چند مورد توجه کنید:

۱. قرطبی در ضمن آداب ورود به مسجد، و در تفسیر آیه ۳۶ سوره نور، بحثی مفصل درباره مسجد آورده و در ادامه چنین نقل کرده است:

۱. وَإِذَا بَلَغَ اِبْرَاهِيمُ رِبَهٗ بِكَلِمَاتِ فَاطِمَاتٍ بَقْرَهٗ، آیه ۱۲۴.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ۱۰۷/۲.

روی ابن ماجه عن فاطمة بنت رسول الله... قالت: كان رسول الله اذا دخل المسجد، قال: باسم الله والسلام على رسول الله...<sup>۱</sup>

همین نقل را ابوالفداء اسماعیل، مشهور به ابن کثیر (م ۷۷۴ هـ) نیز با سندی دیگر در تفسیرش آورده است.<sup>۲</sup> فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶) نیز به مناسبت تفسیر آیه **﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ﴾** (بقره؛ ۱۱۴) دعای پیامبر هنگام ورود به مسجد را از زبان فاطمه نقل کرده است.<sup>۳</sup>

۲. در روایتی آلوسی (م ۱۲۷۰ هـ) از ابن سنی و ابن دیلمی از فاطمه علیها السلام نقل کرده که پیامبر آموزش داده که هرگاه خواستی بخوابی، این دعا را می خوانی:  
الحمد لله الكافي، سبحان الله الاعلى...<sup>۴</sup>

۳. در روایتی ثعالبی در تفسیر آیه **﴿وَإِنِّي أَعِذُّهَا بِكَ وَذَرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾** (آل عمران، ۳۶) نقل کرده که ابن اسنی در کتابش از فاطمه علیها السلام نقل کرده که هرگاه درد زایمانش می گرفت، پیامبر، ام سلمه و زینب دختر جحش را نزد ایشان

۱. الجامع لاحكام القرآن، ۲۷۳/۱۲.

۲. تفسیر القرآن العظیم، ۳۰۵/۳ و ۵۲۱.

۳. التفسیر الکبیر، ۱۵/۴.

۴. روح المعانی، ۱۹۶/۱۵.

می فرستاد تا نزد وی آیند و برایش «آیة الکرسی» و آیة «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي» تلاوت کنند و آن حضرت را با دو سوره فلق و ناس، تعویذ دهند. (فتقراء عندها آیة الکرسی و ان ربکم الله و نعوذانها بالمعوذتین.)

### ۳. فاطمه، قاری و مفسر

برخی مفسران قرائت آیه ای را از فاطمه زهرا، نقل کرده اند و برخی دیگر از ایشان، تفسیر آیه ای را بر مبنایی از یک قرائت نقل نموده اند. ابو حیان مفسر و ادیب در تفسیر آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (توبه، ۱۲۸)، عبارت «أنفسکم» را قرائت به فتح سین از جناب فاطمه نقل کرده و در جای دیگری از تفسیرش، آن را بر اساس نظر حضرت زهرا چنین تفسیر کرده است: من أشرافهم وأعزهم<sup>۲</sup>. قرطبی نیز در تفسیر این آیه، گفته است: وعن فاطمة -رضی الله عنها- ای جائکم رسول من أشرفکم وأفضلکم<sup>۳</sup>.

### ۴. موقعیت ممتاز فاطمه

۱. در خبر است که وقتی پیمان نامه صلح حدیبیه میان

۱. البحر المحيط، ۱۰۹/۲؛ المحرر الوجیز، ۱۰۰/۱.

۲. البحر المحيط ۱۲۱/۲.

۳. الجامع لاحکام القرآن، ۳۰۱/۸.

پیامبر و قریش امضا شد، دوتیره از قبایل مکه (خزاعه)، با پیامبر و دیگری (بنوبکر)، با قریش هم پیمان شدند. میان این دو، درگیری پیش آمد و قریش به یاری هم پیمان خود بنوبکر برخاستند، خبر به پیامبر رسید، ایشان یاران شان را به کمک هم پیمان خود فراخواند، و آن‌ها را تجهیز کرد و راهی مکه شدند.

در این هنگام ابوسفیان در مکه حضور نداشت و در روم نزد هرقل بود. وقتی از روم برگشت، گویی از ماجرای لشکرکشی مسلمانان به سوی مکه خبردار شده بود، وارد مدینه شد، و چاره‌ای اندیشید تا در این میان تکلیف خود را روشن کند. از این رو، تلاش کرد تا پناهندگی بگیرد. نخستین جایی که پناه آورد، خانه فاطمه بود. ابوسفیان به منزل ایشان رفت و از ایشان درخواست پناهندگی کرد. فخر رازی می‌نویسد: و دخل علی فاطمة يستجیر بها. البته جواب ایشان به ابوسفیان منفی بود، اما انتخاب خانه حضرت فاطمه زهرا برای منظور یاد شده، نشان از موقعیت ویژه آن حضرت دارد و می‌رساند که وی پناهگاه مردم به شمار می‌رفته است.

۲. نه تنها در میان دیگران، که در نزد شخص پیامبر نیز موقعیت ممتازی داشت. ثعالبی (م ۱۷۵ هـ) در تفسیر آیه **﴿أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ**

فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا﴾ (احقاف، ۲۰) به مناسبت بحث از دنیا زدگی، نقل کرده است:

کان رسول الله صلی الله علیه و سلم اذا سافر کان آخر عهده بانسان من أهله، فاطمة و أول من یدخل علیها، فاطمة؛ پیامبر که صلوات خدا بر او باد. هرگاه عازم سفر بود، آخرین نفری که با او خدا حافظی می کرد و نخستین شخصی که پس از سفر او را می دید، فاطمه بود.

### ۵. مخاطب پیامبر در تلاوت آیات ویژه

مفسرانی در ذیل برخی از آیات قرآن، نقل کرده اند که هنگامی که پیامبر، آیه و یا سوره ای از قرآن را دریافت می کرد، آن ها را خطاب به فاطمه و علی تلاوت می فرمود. برخی از آن ها به مناسبت و وظیفه ای است که در آن آیات برای پیامبر بیان شده بود و برخی دیگر، گویی اشاره به نکته ای و نشان رمزی بود میان ایشان و آن دو، که پیامبر خدا برایشان می خواند.

۱. نقل است که پس از نزول آیه (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ) (طه، ۱۳۲) پیامبر هر روز صبح به در منزل فاطمه و علی می رفت و می فرمود: الصلاة، و این کار را مدام انجام می داد.<sup>۲</sup>

۱. الجواهر الحسان، ۲۲۱/۵.

۲. التفسیر الکبیر، ۱۳۷/۲۲.

۲. و نیز پس از نزول سوره نصر، پیامبر خطاب به علی و فاطمه، این سوره را تلاوت فرمود.<sup>۱</sup> مفسران گفته اند که گویی پیامبر با نزول این آخرین سوره، خبر رحلت خود را پیش بینی می کرد. از این رو، گفته اند که فاطمه با شنیدن آن رنجید و گریست.

۳. با نزول آیه (مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ) (عنکبوت، ۵) خطاب به علی و فاطمه، فرمود:

یا علی و یا فاطمة، قد انزل الله تعالی من کان یرجو لقاء الله. فاستعدوا؛<sup>۲</sup> ای علی، و ای فاطمه، خداوند متعال این آیه را فرو فرستاده که «هرکس خواهان دیدار خداست...» پس آماده باشید.

### ۶. برخورداری فاطمه از غذای آسمانی

درباره جناب مریم، آیه ای در قرآن کریم آمده و در آن اشاره شده که مریم، از روزی غیبی غیر مترقبه و شگفتی برخوردار بوده که از راه معمولی به دست او نمی رسیده، و بلکه روزی ویژه خدادادی بوده است. زکریای پیامبر، که عهده دار نگه داری مریم بوده، روزی بروی وارد می شود و غذایی نزد وی می بیند، شگفت زده می شود و از مریم می پرسد که چنین روزی از کجا

۱. الدر المنثور، ۴۰۷/۶؛ تفسیر القرآن العظیم، ۶۰۰/۴.

۲. تفسیر القرآن، سمعانی، ۱۶۷/۴.

آمده است؟ مریم جواب داده، که از جانب خداست.<sup>۱</sup>

أبوالسعود (م ۹۵۱ هـ) در تفسیر این آیه و شرح این ماجرا، گفته است که: چنین ماجرای برای فاطمه -رضی الله عنها- نیز روی داده است. ماجرا از زبان و نقل وی چنین است:

انّ فاطمة الزهرا رضی الله عنها اهدت الی رسول الله رغیفتی و بضعة لحم، فرجع بها الیها، فقال: هلمّی یا بنیة! فكشفت عن الطبق، فاذا هو مملو خبزاً ولحماً. فقال لها: ائی لك هذا؟ قالت: هو من عند الله انّ الله یرزق من یشاء بغير حساب. فقال علیه الصلاة والسلام: الحمد لله الذی جعلک شبيهة بسيدة بنی اسرائیل. ثم جمع علیا والحسن والحسین و جمیع أهل بیته رضوان الله علیهم أجمعین، فأكلوا و شبعوا و بقی الطعام كما هو، فوسعت علی جیرانها؛<sup>۲</sup> فاطمه زهرا- که خداوند از او خشنود باد- به رسول خدا دو عدد نان و مقداری گوشت تقدیم کرد. پیامبران هارا به زهرا برگرداند و فاطمه را سدا زد که: دخترم بیا! و پرده از روی طبّق غذا برداشت، در حالی که طبق غذا، آکنده از نان و گوشت بود. و به دخترش فرمود: این از کجا آمده؟ عرض کرد: از سوی خداوند، که خداوند به هر که بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

۱. (وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) آل عمران، آیه ۳۷.

۲. ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، ۳۰/۲.

پیامبر - که بر او درود و سلام باد - فرمود: ستایش خدواندی راست که تو را همانند بانوی بنی اسرائیل قرار داد. آن‌گاه پیامبر علی و حسن و حسین و تمامی خانواده اش را - که خداوند از همگی آنان خشنود باد - صدازد و جمع کرد و از آن غذا خوردند و سیر شدند و غذا همچنان بر جا بود. همسایگان را نیز با آن سیر کردند.

این ماجرا را بیضاوی (م ۶۸۳) و آلوسی (م ۱۲۷۰ هـ) به تفصیل<sup>۲</sup> و ثعلبی (م ۴۲۷ هـ)<sup>۳</sup> نیز آورده‌اند. برخی در آغاز آن، از گرسنگی پیامبر و نداشتن چیزی برای خوردن و نیافتن غذا سخن گفته‌اند و اشاره کرده‌اند که پیامبر از فاطمه درخواست غذا کرده و ایشان هم غذا نداشته تا این که کنیز او دو گرده نان و مقداری گوشت به فاطمه می‌دهد و وی آن‌ها را - به رغم گرسنگی خود و اعضای خانواده اش - برای پیامبر می‌فرستد و آن حضرت، ظرف غذا را به فاطمه برمی‌گرداند.<sup>۴</sup>

فخر رازی می‌گوید: اگر در اخبار نقل شده، از جهت سند، خدشه وارد شود، اما این آیه چنان رخدادی را درباره کرامت

۱. تفسیر بیضاوی، ۲/۳۴.

۲. روح المعانی، ۳/۱۴۱.

۳. الکشف و البیان، ۳/۵۷.

۴. روح المعانی، ۳/۱۴۱.

اولیای الهی به میان کشیده و با استناد به این آیه، امکان وقوع کرامت را اثبات کرده است.

احتج أصحابنا علی صحّة القول بکرامة الأولیا بهذه الآیات؛ یاران ما (دانشمندان اهل تسنن) برای اثبات درستی عقیده به امکان وقوع کرامت برای اولیای الهی، به این آیه استدلال کرده‌اند. استدلال وی چنین است که:

آنچه برای مریم اتفاق افتاده، یا از طریق خرق عادت بوده و با غیر خرق عادت. اگر گفته شود که آن حادثه امری طبیعی بوده، این سخن به پنج دلیل نادرست است: اولاً، اگر ماجرای برخورداری مریم از روزی طبیعی باشد، شأن و جلالتی برای وی نیست، در حالی که آیه در مقام اثبات شأن و مقامی ویژه‌ای برای مریم است. ثانیاً زکریا با دیدن آن روزی در نزد مریم، دعا کرد که خدا برایش در همان دوران پیری فرزندی عطا کند، در حالی که وی پیش از آن، ناامید بود و با دیدن چنان رخداد غیر مترقبه‌ای روبه درخواست از خدا کرد. ثالثاً، نکره آورده شدن رزق در (وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا) حاکی است که آن رزق، مهم و برای زکریا غریب و غیر مترقبه بوده است. رابعاً به جهت این حادثه بوده که خدا در حق مریم و پسرش فرموده: (وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ) (انبیاء، ۹۱). خامساً روایات متواتری رسیده که زکریا در نزد مریم، میوه زمستانی را در فصل تابستان و میوه

تابستانی را در زمستان می دیده است.<sup>۱</sup>

بر همین مبنا، در روایتی منقول از پیامبر درباره فاطمه، درباره غذایی غیبی فرموده است:

الحمد لله الذي جعلك شبيهة سيدة نساء بني اسرائيل، فانها كانت اذا رزقها الله تعالى رزقا فسئلت عنه، قالت: هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب.<sup>۲</sup> ستایش خدایی راست که تو را همانند بانوی بنی اسرائیل قرار داد. و او چنین بود که هرگاه خداوند متعال به او روزی نصیب می کرد، و از او پرسیده می شد که از کجاست؟ می گفت: از جانب خداست. چرا که خدا به هر که بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

## ۷. فاطمه بانوی برتر

فاطمه علیها السلام به دلیل جایگاه بی مانند در میان زنان و مردان مسلمان، از ویژگی منحصری برخوردار است، از این رو، نویسندگان و گویندگان به شخصیت او می پردازند و بر مبنای آنچه درباره شأن و شخصیت او نازل و گفته شده، سخن گفته اند و می گویند.<sup>۳</sup>

۱. التفسیر الکبیر، ۳۱/۸ و ۳۲.

۲. الکشف و البیان، ۵۹/۳؛ تفسیر البیضاوی، ۳۵/۲؛ البحر المحیط، ۴۶۲/۲؛

الدرالمنثور، ۴۰/۲؛ روح المعانی، ۱۴۱/۳؛ ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، ۳۰/۲.

۳. برای نمونه بنگرید به چند نمونه آثار پیشینیان درباره مناقب فاطمه علیها السلام؛

این یادآوری ضروری است که: کشمکش برای شناختن برترین انسان و یا برترین زن عالم، نه لزوماً برای تفاخر و نزاع و مباحثات که برای یافتن حقیقت است تا هر کسی را در جایگاه خود ببینیم و در نتیجه به همان میزان از او انتظار داشته باشیم، و این بی‌تردید، نشان حقیقت‌طلبی است و نه رفتاری جاهلی. از این رو در میان مفسران، که در پی کشف حقیقت معنای آیات خداوند، این بحث نیز در گرفته و هر یک به میزان توان و علاقه خود کوشیده‌اند تا یافته‌های خود را از آیات باز گویند.

شاید برای بسیاری این نکته حایز اهمیت و پرسش برانگیز باشد که خداوند، در آخرین پیام آسمانش قرآن، از مریم مادر عیسی مسیح، به عنون برترین بانو و زن برگزیده یاد کرده است. این که در آخرین پیام وحی خداوند، در چند جای کتابش، این بانورا دارای صفاتی فوق العاده و مهم‌تر از همه، برترین زن معرفی کرده، قابل درنگ و تأمل است.

---

باب مناقب فاطمة در صحیح بخاری، ۲۱۹/۴؛ همین عنوان در مجمع الزوائد، ۲۱۰/۹؛ تعلیق التعلیق، ۶۹/۴؛ عمده القاری، ۲۴۹/۱۶؛ به علاوه کتابهای مستقلی درباره حضرتش مانند: کتاب فضائل فاطمة از حاکم نیشابوری؛ فضائل فاطمة الزهرا از ابن شاهین و مسند فاطمة الزهرا از جلال‌الدین سیوطی.

مفسران، در تفسیر آیه برگزیدگی حضرت مریم، بیشترین سخنان خود را درباره بانوی برتر و برترین بانو در آیه مربوط به برگزیدگی مریم بر عالمیان گفته‌اند و در آنجا این نکته‌ها را در میان گذاشته‌اند که برگزیدگی مریم بر عالمیان، آیا مطلق و برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و یا به زمانی ویژه مربوط است؟ و این که آیا فرد دیگری هم وجود دارد که دارای چنان مقامی باشد و یا برتر از وی باشد؟

قرطبی، در زمره مفسرانی است که آیه را مطلق می‌داند و کسی را به پا و پایه مریم نمی‌شناسد. وی در تفسیر آیه (يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (آل عمران، ۴۲) نوشته که از طریق صحیح نقل است که:

خير نساء العالمين أربع: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون، و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد؛ بهترین زنان عالم‌ها چهار زنند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد.

او سپس در پی نقل این روایت، حدیثی آورده که در آن به ترتیب برتری، زنان بهشت چنین یاد شده‌اند:  
أفضل نساء الجنة، خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت

محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امراة فرعون؛  
بهترین زنان بهشت، خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه اند.

روایت اول، به ترتیب زمانی و برتری افراد یاد شده است  
و روایت دوم نظر به برتری هر یک به ترتیب در بهشت دارد.  
قرطبی بر اساس روایتی دیگر، سه تن را با تعبیر «سیده نساء أهل  
الجنة» یاد کرده، آنگاه استناد می‌کند این که به مریم وحی شده  
و بنابراین، از مقام نبوت برخوردار است، لذا مریم را برترین بانو  
معرفی کرده و قید «اولین و آخرین» را هم برای ادعایش آورده  
است. آن‌گاه در توصیف مریم افزوده:

خداوند به مریم ویژگی‌هایی داده که به هیچ کس نداده  
و آن‌ها را چنین بر شمرده است: انّ روح القدس کلمها و ظهر  
لها و نفخ فی درعها و دنا منها للنفخة، فلیس هذا لاحد من  
النساء و صدقت بکلمات ربها، ولم تسأل آیه عند ما بشرت  
کما سأل زکریا من الآیه، و لذلك سمّاها فی تنزیله صدیقة،  
فقال: (وأمه صدیقة<sup>۲</sup>) (مائده، ۷۵) روح القدس با مریم سخن  
گفت و در درون او دمید و به برای دمیدن او، به وی نزدیک شد در  
حالی که هیچ زنی چنین نیست. او سخنان پروردگارش را تأیید  
کرد و هیچ نشانه‌ای برای آن نطلبید؛ آن‌گونه که زکریا از خدا

۱. الجامع لاحکام القرآن، ۸۳/۴.

۲. همان / ۸۴.

طلب نشانی کرد. و از این رو، خدا او را در قرآنش زن صادق نامید و فرمود: و مادرش زنی بسیار صادق بود.

این مفسر، نظر خود را به صراحت بیان کرده، و در برابر روایاتی که ظاهری روشن دارند، توانسته نظر دیگری را برگزیند، اما ظاهر هیچ یک از روایات را هم در انتخاب دومین زن برگزیده، انتخاب نکرده و چنین نظر داده است: ثمّ بعدها فی الفضیلة فاطمة. گویی مفسر نتوانسته ذهن خود را از واقعیتی خالی کند که او را به خود مشغول کرده است. مفسر در این رأی، گزینشی انجام داده که دلیلی برایش ذکر نکرده و گویی درون وی این ندا را به او داده که از اقامه دلیل بر عدم تقیید آیه ناتوان است، لذا زهارا دومین بانوی برتر معرفی می‌کند، بی هیچ گفت و گویی. اما مفسران دیگر، مشی قرطبی را نپیموده‌اند و سخنی دیگر گفته‌اند.

أبو حیان (م ۷۴۵ هـ) در تفسیر همین آیه می‌نویسد: تعدادی از مفسران، ظاهر این تفضیل را پذیرفته‌اند، اما برخی از مشایخ ما گفته‌اند که آنچه علما بر آن اتفاق نظر دارند، و از مشایخشان نقل کرده‌اند، این است:

انّ فاطمة أفضل النساء المتدمات والمتأخرات، لأنّها

بضعة من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فاطمه، برترین زنان گذشته و آینده است؛ چه این که او پارهٔ تن رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم است.

أبو حیان به گفتهٔ مشایخ خود بسنده نکرده و دلیل رأی مشایخش را «پارهٔ تن رسول خدا بودن فاطمه» برشمرده، اما از این سخن نگفته که چگونه از ظاهر آیه گذشته است.

بهتر است برای روشن شدن بهتر موضوع، زمام سخن را به فخر رازی بسپارم که در باب تعلیم اسما از سوی خدا به آدم، سخن می‌گوید که فرشتگان، به برخی از دانسته‌های آدم، ناآگاه بودند. آنگاه به مناسبت و برای تبیین بحث، موضوع برتری بنی اسرائیل را بر عالمین در آیه (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) (بقره، ۴۷) پیش کشیده و چنین گفته است: اگر آیه به عموم خود (أفضلیت بنی اسرائیل بر عالمیان) باقی بماند، شامل فرشتگان و پیامبر (ص) هم می‌شود و باید گفت که بنی اسرائیل از فرشتگان و پیامبر برترند. رازی برای این که سخن خود را متقن تر کند، در ادامه و به مناسبت بحث، از آیهٔ برتری مریم در آیهٔ یاد شده گفته و این که «اگر چنین باشد، باید مریم از فاطمه برتر باشد». و آن گاه جواب موجهی ارائه کرده است. جواب وی چنین است:

آن تفصیل، وقتی از سوی خدا اتفاق افتاده که پیامبر

نبوده و جزء عالمین به شمار نمی آمده و چیزی و یا کسی که معدوم باشد، از عالمیان به شمار نمی آید، و چون چنین است، پس برتری بنی اسرائیل شامل او نمی شود.<sup>۱</sup>

وی آن گاه با توجه دادن به دلیل دیگر، جبرئیل را هم مشمول آیه نمی داند. فخر رازی، پیامبر را به سخن اصولیان - تخصصاً از موضوع آیه خارج دانسته است. نکته حایز اهمیت در کلام رازی، اشاره وی به برتری مریم بر فاطمه - در صورت پذیرفتن عموم آیات افضلیت - است. وی هر چند به صرف طرح موضوع بسنده کرده و بحث را در این باره ادامه نداده، اما گویی به همان بسنده کرده و به دلیل وضوح موضوع، نیازی به بسط بحث ندیده است.

اما مهم تر از کلام رازی، سخن آلوسی بغدادی (م ۱۲۷۰ هـ) است که در تفسیر آیه، بحث گسترده ای را در برتری هر یک از مریم و فاطمه بر دیگری، مطرح کرده که به اختصار چنین است:

به این آیه، بر افضلیت مریم بر فاطمه و خدیجه و عائشه استدلال شده و این نظر را با گفته ای از پیامبر خدا تأیید کرده اند که ایشان فرموده است: سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، ثُمَّ فَاطِمَةُ، ثُمَّ خَدِيجَةُ

۱. تفسیر الکبیر، ۲/۲۳۳.

ثم آسية؛ سرور خانم‌های اهل بهشت، مریم، سپس فاطمه، آن‌گاه خدیجه و آن‌گاه آسیه است. و نیز گفته دیگری از آن جناب خطاب به فاطمه چنین است: أنت سيدة نساء أهل الجنة الامريم البتول؛ تو سرور زنان اهل بهشتی جز مریم بتول. آن‌گاه مفسر، قولی را مورد توجه قرار داده که مراد از افضلیت مریم بر زنان عالم، زنان دوران وی بوده و نه همه دوران‌ها، و گفته که بنابراین قول، افضلیت مریم بر فاطمه ثابت نیست، و برای این قول هم تأییدی از پیامبر را آورده که حضرتش فرموده:

أربع نسوة سادات عالمهن: مریم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم، و خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و أفضل عالمها فاطمة؛ چهار زن، سروران دوران خود هستند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه، و بهترین زن دوران خود، فاطمه است.

آلوسی، این نظر را به ائمه اهل بیت نسبت داده و گفته است: و هو المشهور بین أئمة أهل البيت. و در ادامه نظر خود را چنین نوشته است:

التي أميل اليه: انّ فاطمة البتول أفضل نساء

المتقدمات والمتأخرات؛ آنچه من به آن تمایل دارم، این است که فاطمة بتول، برترین زنان گذشته و آینده است.

و دلیل آن را چنین برشمرده:

من حيث أنها بضعة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، بل ومن حيثيات آخر أيضاً؛ از جهت این که فاطمه، پاره تن پیامبر است، و بل از جهات دیگر

نیز: وی حتی در صورت عقیده به نبوت مریم هم این قول را ترجیح داده و دلیل آورده که:

إذا البضيعة من روح الوجود و سيد كل موجود لا أراها تقابل بشيء؛ زیرا پاره تن روح وجود و سید کل موجود بودن را نمی بینم که هیچ چیزی بتواند با آن برابری کند. و این الثريا من يد التناول؛ کی رسد دست به ستاره ثریا.

آلوسی مفسر، آن گاه نوشته اش را با این سخن ادامه داده که:

با این گفته، معلوم می شود که فاطمه بر عائشه هم افضل است؛ بر خلاف نظر خیلی ها که وی را افضل دانسته اند.

سپس وی روایات افضلیت عائشه را بر دیگران، نقل کرده و یک به یک آن‌ها را بررسی کرده و همه را از جهت دلالت، مورد مناقشه قرار داده و دلالت آن‌ها را بر ادعای ناکافی دانسته و سرانجام نتیجه گرفته که:

وبعد هذا کله، الذی یدور فی خلدی، انّ أفضل النساء فاطمة، ثمّ امها، ثمّ عائشة؛ پس از این همه، آنچه در ذهن من خلجان می‌کند، این است که برترین زن فاطمه است، آن‌گاه مادرش و آن‌گاه عائشه.

قابل توجه این که وی نه تنها فاطمه را از همه برتر می‌داند، که احتمال سایر دختران رسول خدا هم با همان ملاک، برتری می‌دهد. البته در این نظر، چندان رأی قطعی ندارد و خود همین قرینه است که برای فاطمه زهرا، جایگاه ویژه قائل است. وی درباره دیگر دختران پیامبر بر آن است که: اگر کسی دیگر دختران پیامبر را از عائشه برتر بداند، من در آن اشکالی نمی‌بینم. بل لوقال قائل انّ سایر بنات النبی أفضل من عائشة لا أری به بأس.

وی آن‌گاه در مقام مقایسه میان مریم و فاطمه، با توجه به اطلاق آیه در افضلیت مریم بر زنان، آن را جای درنگ و توقف دانسته و در عین حال تأکید کرده که با توجه به حیثیت گفته شده، نظر من همان است که گفتم.

آلوسی، از امام سبکی (۶۸۳-۷۵۶) روایت کرده که وی بر این بوده که فاطمه افضل است. والذی نختاره وندین الله تعالی به، انّ فاطمة بنت محمد أفضل.

آلوسی، بلقینی (۷۲۴-۸۱۵ هـ) راهم بر همین دانسته است.<sup>۱</sup>

آلوسی، در هر جایی از تفسیرش که امکان سخن گفتن درباره فاطمه بوده و یا احتمال خلاف نظر خود را داده، اظهار نظر کرده و رأی خود را ابراز نموده است. وی در تفسیر آیات مربوط به همسران پیامبر در سوره احزاب (آیات ۲۸ تا ۳۷) نظر کسانی را که قائل به افضلیت همسران پیامبرند، آورده و گفته که شاید افضلیت آنان از آن جهت است که امّ المؤمنین و در جایگاه همسری پیامبر هستند، نه از جهات دیگر، و این باعث نمی شود که فاطمه از یکایک همسران پیامبر برتر نباشد. وی پارا از این هم فراتر گذاشته و گفته است:

بل هی من بعض الحیثیات کحیثیة البعزیة، أفضل من کل الخلفاء الاربعة؛<sup>۲</sup> بلکه او از جهاتی مانند پاره تن رسول خدا بودن، از همه خلفا هم برتر است.

۱. روح المعانی، ۱۵۵/۳ و ۱۵۶.

۲. همان، ۳/۲۲.

گویی برتری فاطمه بر زنان، چنان بر آلوسی مسلم بوده که هر جا احساس کرده که ممکن است از آیه‌ای از قرآن، برخلاف نظر او استنباط شود، و نظروی را زیر سؤال ببرد، عقیده‌اش را مستدلّ بیان کرده است. در تفسیر آیه (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّعَالَمِينَ) (تحریم، ۱۲) که در آن مریم، زنی پاکدامن و برخوردار از نفخه الهی و مؤمن به کلمات خدا و کتاب‌های او و عابد معرفی شده، این نظر را مطرح کرده و گفته است:

ثمّ لا يخفى أنّ فاطمة -رضى الله عنها- من حيث البضعية، لا يعدلها في الفضل أحد؛ ناگفته نماند که فاطمه، از جهت پاره‌تن رسول خدا بودن، هیچ کسی با او برابری نمی‌کند.

به این ترتیب وی، با روایتی از پیامبر و واقعیتی ملموس، دلالت عام آیه‌ای از قرآن را تخصیص می‌زند.

حاصل این که در مناقشات تفسیری و کلامی در برتری این و یا آن بانو، ظاهر آیه قرآن این است که مریم دختر عمران و مادر گرامی پیامبر خدا حضرت مسیح، یک بار برگزیده شده

و از آلودگی پاک شده و بار دیگر برگزیده شده، و بر همهٔ زنان جهان برتری داده شده است. پاره‌ای رخدادها نیز برای فاطمه رخ داده که او را نیز به همین مقام نایل آورده است.

او از خاندان پیامبر - به اصطلاح قرآن کریم، اهل البیت - است که خدا در قرآن، آنان را از هر گونه آلودگی پیراسته و پاکشان کرد.<sup>۱</sup> در آیه‌ای دیگر او را از اهل بهشت معرفی کرده،<sup>۲</sup> بدین سان، فاطمه در پاره‌ای از صفات با مریم برابری می‌کند. از سویی، چون وی پارهٔ تن حبیب خدا، پیامبر مصطفی است، جایگاه برتری را به خود اختصاص داده و می‌توان او را بانو و سرور زنان دانست.

از این رو جزّی، در تفسیر خود، ذیل آیهٔ مربوط به همسران پیامبر (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) (احزاب، ۳۲) آورده است که خداوند، زنان پیامبر را بر همهٔ زنان ترجیح داده، به شرط تقوا سپس ادامه داده که تقوا هم برای آنان حاصل شد، بنابراین، آنان بر همهٔ زنان برتری یافتند. اما با این همه از عموم آیه گذشته و زنانی از جمله

۱. (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب، ۳۳).

۲. (إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا) (انسان، آیه ۵)، (وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا) (انسان، آیه ۱۲).

فاطمه را استثنا کرده و نوشته است:

الاِنَّهٗ يخرج من هذا العموم، فاطمة بنت رسول الله و  
مريم بنت عمران و آسية امرأة فرعون لشهادة رسول  
الله لكل واحدة منهن بأنها سيدة نساء عالمها؛ اما  
از این عموم، فاطمه دختر پیامبر خدا، مریم دختر  
عمران و آسیه همسر فرعون، خارجند به دلیل کلام  
پیامبر خدا که هر یک از این‌ها را بانوی زنان دوران  
خود یاد کرده است.

یادآوری این نکته می‌تواند به روشن شدن بهتر موضوع  
کمک کند که در این گفته از تعبیر «سیده نساء عالمها» یاد  
کرده که نشان می‌دهد مراد او از بانوی برتر، برتری او به زنان  
دوران خود است و نه بیش‌تر و فراگیر.



# گفتار دوم: علم حضرت زهرا علیها السلام اقتسابی یا لدنی



## اشاره

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یگانه دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همسر امیرالمؤمنین علیه السلام و مادر ائمه هدی علیهم السلام طبق فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نخستین فردی است که وارد بهشت می شود. لازمهٔ این مقام، عصمت آن حضرت است که مسلمانان تا حدّ قابل توجهی آن را قبول دارند؛ لکن امروزه با پیشرفت علوم دنیایی و تکنولوژی بشری کمتر می پذیرند که آن حضرت عالم هم باشد به ویژه در مقایسه با زنان امروز. این مقاله بر آن است تا علم آن حضرت را با استعانت از قرآن کریم و سخنان معصومان علیهم السلام و عملکردهای آن حضرت در زندگی بیان کند، با آن که متأسفانه منابع دربارهٔ آن بسیار اندک است. ضمن اینکه لازمهٔ برترین زن عالم بودن دربارهٔ آن حضرت را

برتری در علم آن حضرت می‌داند. علم آن حضرت به سبب ارث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و موهبت الهی و ویژگی خاص آن حضرت حاصل شده است.

- مفضل می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم مرا از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره فاطمه آگاه فرما که فرمود: «انها سيدة نساء العالمين» آیا سیده نساء عالم خود بود؟ امام علیه السلام فرمود:

«ذالك لمريم كانت سيدة نساء عالمها، وفاطمة سيدة نساء العالمين من الأولين والآخرين». این سخن در مورد مریم است که برترین زن عالم خود بود. ولی فاطمه، سرور تمام بانوان جهان است، از پیشینیان و پسینیان<sup>۱</sup>.

سرور زنان عالم از اول و آخر باید در همه چیز سرور باشد بنابراین حضرت زهرا علیها السلام در علم نیز سرور زنان عالم از اول و آخر است. هر قدر در آخر زمان، زنان عالم فرض شوند، باز حضرت فاطمه علیها السلام از این جنبه نیز سرور آنان است.

صفات و ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام بی‌شمار است به گونه‌ای که قلم توان ذکر آن‌ها را ندارد. در این مقاله برآنیم

تا با علم آن حضرت آشنا شویم. مطلبی که درباره آن بزرگوار، کمتر گفته شده است. زیرا آنچه در اذهان در مورد صدر اسلام هست، اینکه در زمان بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فقط تعدادی انگشت شمار قادر به خواندن و نوشتن بودند و اینکه دخترها و زن‌ها در جوامع اسلامی معمولاً در خانه بودند و فرصت و امکان مدرسه رفتن و آموختن نداشتند. لکن باید گفت که با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تشویق مسلمانان به سوادآموزی و تعالیم قرآن کریم و آموزش‌های آن حضرت در مسجد النبی، تعداد افراد با سواد در جامعه مسلمانان قابل توجه شد.

حضرت زهرا علیها السلام نیز در محیط تعالیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن کریم قرار داشتند و علم آن حضرت به علوم رایج اعراب در زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محدود نمی‌شد، بلکه علم قرآن و علوم الهی و لدنی که به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عنایت شد، شامل حال فاطمه علیها السلام نیز گردید.

البته برای بررسی ویژگی یا ویژگی‌های هر فرد باید مجموعه عوامل مؤثر در آن خصوصیات را در نظر گرفت، تا حد توان جهات مؤثر در آن خصلت را شناسایی کرده، ضمن در نظر گرفتن عملکرد شخص، آن ویژگی‌ها را مطالعه نمود. بنابراین برای رسیدن به علم آن حضرت به مطالبی مانند صفات وراثتی، شرایط تربیتی، نعمت‌های الهی، نشانه‌های

صفات و... رامد نظر گیریم تا به کمک آیات قرآن کریم و احادیث معصومان:- که معتبرترین منابع اسلامی هستند- از علم آن حضرت آگاه شویم.

### ۱- صفات وراثتی

هر فرزند، از پدر و مادر خود بسیاری از صفات را به ارث می برد. این مطلبی است که علاوه بر مباحث علمی به وضوح مشاهده شده و می شود. حضرت زهرا علیها السلام که دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است نیز، از آن حضرت ویژگی های بسیاری را به ارث برده است. فردی از جناب حسین بن روح می پرسد که پیامبر چند دختر داشته اند؟ حسین بن روح پاسخ می دهد: چهار دختر. شخص می پرسد: کدام یک افضل بودند؟ حسین بن روح پاسخ می دهد: فاطمه. شخص سؤال می کند که چرا افضل شد در حالیکه کوچکترین ایشان بود و کمتر از سایر خواهران مصاحبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشته است؟ حسین بن روح پاسخ می دهد:

به سبب دو خصلت که خداوند مخصوص او گردانید. او وارث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود و دیگر اینکه نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اوست. و خداوند این دو را مخصوص او گردانید، به سبب اخلاصی که آن

حضرت داشت و خداوند این اخلاص در نیت او را می دانست.<sup>۱</sup>

علم قرآن که بر وجود مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، بر قلب و جان آن حضرت فرود آمد نه اینکه به صورت اکتسابی باشد. بنابراین علم قرآن و علم لدنی از جانب خداوند، با روح و جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عجین شد و چگونگی آن در وجود رسول خدا با علم اکتسابی انسان های دیگر متفاوت است، لذا قابل ارث بردن نیز هست.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «فاطمة بضعة منی» فاطمه پاره تن من است. علامه مجلسی می نویسد: یعنی جزء منی همچنانکه قطعه ای از گوشت، جزیی از گوشت است.<sup>۲</sup> جزء هر چیز دارای خواص آن است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عالم ترین فرد است پس جزیی از آن حضرت هم عالم است. علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - با وجود اتمی بودن آن حضرت که قرآن هم بدان تأکید دارد<sup>۳</sup> - علم اکتسابی نیست و از جانب الهی و عجین با روح و جان آن حضرت است.

علاقه به علم نیز از مواردی است که در خاندان های زیادی

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹.

۳. اعراف، آیه ۱۸۷.

از علما مشاهده شده است که امری موروثی است. حضرت فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا تنها وارث رسول الله از فرزندان آن حضرت است، لذا علم آن حضرت هم به زهرا صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا می‌رسد. چنانکه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «ولد العالم نصف العالم». <sup>۱</sup> طبق این کلام، حضرت زهرا صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا به سبب اینکه فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که درباره خود فرمودند: «انا مدينة العلم...» بهره فراونی از علم برده است.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره دخترش فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا فرمودند: «یرضینی ما ارضاها و یسخطنی ما اسخطها» <sup>۲</sup> آنچه او را خشنود کند، مرا راضی می‌سازد و آنچه سبب ناراحتی او شود مرا می‌آزرد.

در صورتی رضای رسول خدا، رضای فاطمه است که فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا هیچ خطا و گناهی نداشته باشد و معصوم باشد. چنانکه در حدیث دیگر از امام صادق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «یا فاطمة ان الله لیغضب لغضبک و یرضی لرضاک» از رضای فاطمه خداوند راضی می‌شود <sup>۳</sup>.

خداوند نیز در صورتی از رضای فاطمه راضی است که فاطمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا گناه نکند، یعنی که آن حضرت در گفتار و رفتار و

۱. امالی شیخ طوسی، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان.

نیات معصوم باشد. بدین روی، این نقل حاکی از عصمت آن حضرت است. چنین فردی از روی آگاهی (علم) بر اعمال و گفتار خود حاکم است، بیهوده خشمگین نمی شود و بی دلیل خشنود نمی گردد. از مطالب دنیایی و پیش پا افتاده و دون راضی نمی گردد و برای مسائل مادی و دنیایی و بیهوده به خشم نمی آید. پس حضرت زهرا علیها السلام عالم و مؤمن به مقام ربوبی خداوند است و به دلیل علم و ایمان کامل، مرتکب خطا و گناه نمی شود.

## ۲- عوامل تربیتی

حضرت زهرا علیها السلام در خانه نبوت به دنیا آمد و رشد و نمو کرد و تحت تربیت و سرپرستی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - کامل ترین عبد خدا و خلیفه الهی - قرار داشت. خلیفه خداوند باید نشانه هایی از حق تعالی داشته باشد. الله اعلم حیث يجعل رسالته.

در قرآن کریم آیات فراوانی راجع به علم الهی وجود دارد، پس خلیفه الله هم باید عالم باشد و این عالم معمولاً عالم تربیت می کند. در مقایسه برتری های حضرت زهرا نسبت به حضرت مریم علیها السلام آمده است: خداوند درباره حضرت مریم می فرماید: (وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا) (آل عمران ۳۳)،

در حالی که حضرت فاطمه علیها السلام را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کفالت کرد. بنابراین دختری که تحت کفالت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود - پدر بزرگوارش، یعنی برترین پیامبر و حامل قرآن و مبلغ آن - آشکار است که چگونه تربیت می شود. حضرت زهرا علیها السلام در خانه قرآن و با صوت قرآن و تعالیم قرآن رشد و نمو کرد. قرآنی که مملو از علم است و پدری که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها، فمن أراد العلم فلیأت بابها»<sup>۱</sup>. چنین دختری، از شهر علم، علم آموخت.

آن حضرت علیها السلام با مردی ازدواج کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را دروازه علم الهی خود نامیده و برای رسیدن به علم خویش دیگران را دعوت فرمود که از طریق علی ابن ابی طالب علیه السلام علم رسول الله را اخذ کنند. بنابراین در دوران زندگی مشترک با حضرت علی علیه السلام نیز در کنار عالم ترین مردان بود. مصاحبت با علما و همنشین با آنها مطلبی است که به آن تشویق شده ایم تا علم بیاموزیم. بنابراین به نظر می آید که حضرت زهرا علیها السلام همه دوران زندگی را در خانه علم زندگی کرد و علمش دم به دم فزونی یافت.

- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام بازهرا علیها السلام

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۶؛ أسد الغابة، ج ۴، ص ۹۵.

ازدواج نمی‌کرد، کسی کفو او تا قیامت بر روی زمین نبود. کفو هر چیز (فرد) از همه نظر با آن (او) برابر است. علم علی بن ابی طالب علیه السلام طبق کلام رسول خدا و نیز به حکم جانشینی آن حضرت باید مثل علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و این مطلب روشن است. بنابراین فاطمه علیها السلام که کفو امیرالمؤمنین است، باید از نظر علمی نیز کفو باشد. بانویی که پدرش عالم‌ترین انسان‌ها و همسرش عالم‌ترین انسان‌ها در زمان خود است باید عالم باشد. تاریخ حتی، در مورد علم اکتسابی بشری نشان داده است که دخترانی که در خانواده‌های علمی رشد و نمو می‌کنند از زنان عالم می‌شوند. همچون دختران ائمه، حضرت زینب، حضرت فاطمه معصومه، خدیجه برغانی قزوینی، دختران شیخ طوسی، دختر سید مرتضی، ...<sup>۱</sup> چه رسد به حضرت زهرا علیها السلام که خود معصومه و حجت خدا بود.

- ابوالفتوح می‌نویسد: آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ) درباره علی ابن ابی طالب علیه السلام است. عبدالله بن عطا گفت: از باقر علیه السلام پرسیدم که «من عنده علم الكتاب» کیست؟ فرمود: علی ابن ابی طالب.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

۲. اعیان الشیعه، ج ۳: ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۰۹؛ اعلام النساء، ج ۲، ص ۲۹۵؛

اعلام النساء المؤمنات، ص ۲۶۱-۲۶۵ و ۲۹۲.

محمد بن حنیفه نیز همین را گفت. <sup>۱</sup> همسری و کفویت چنین بزرگواری، عالم بودن چنان بانوی بزرگواری را نشان می‌دهد.

### ۳- نعمت‌های الهی

- علمی که از جانب خداوند به شخصی ارائه شود، علم پایدار و زوال‌ناپذیر است، بر خلاف علوم دنیایی و علوم اکتسابی که تا حدّ زیاد، امکان فراموشی و از دست رفتن در آن‌ها هست. پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، جبرئیل علیه السلام برای تسلی حضرت زهرا علیها السلام نزد آن حضرت می‌آمد و ایشان را از وقایع آینده خبر می‌داد، و آنچه را برای ذریه فاطمه علیها السلام مقرر بود بیان می‌کرد. بدین ترتیب علم آن حضرت به این طریق نیز افزایش می‌یافت.

- در روایتی آمده است: خداوند به ده زن ده چیز عطا فرمود: توبه را به حوا همسر آدم علیه السلام؛ زیبایی را به ساره همسر ابراهیم علیه السلام؛ ... رضا را به خدیجه همسر مصطفی علیه السلام؛ و علم را به فاطمه همسر مرتضی علیه السلام. <sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یا فاطمة ان الله اصطفاک و طهرک

۱. تفسیر ابوالفتوح، ج ۱۱، ص ۲۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴.

واصطفاک علی نساء العالمین». نعمتِ داشتنِ پدری چون رسول الله، که خلیفه الهی و کامل ترین و عالم ترین بنده خدا بود، نعمتی از جانب حق تعالی برای حضرت زهرا علیها السلام بود. خداوند می فرماید: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)<sup>۱</sup> طبق آیه شریفه، حضرت زهرا علیها السلام که پیوسته مطیع الهی بود، از کسانی است که نعمت الهی شامل حال ایشان است.

محمد بن ابی بکر می گوید: هنگامی که آیه: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ)<sup>۲</sup> ولا محدث نازل شد، گفتم: آیا ملائکه بغیر از انبیاء با کسی سخن می گویند؟ فرمود: بله، مریم نبی نبود و محدثه بود، ام موسی بن عمران محدثه بود اما نبی نبود و... و فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم محدثه بود اما نبی نبود.

- روزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سلمان را نزد فاطمه علیها السلام فرستاد. سلمان می گوید: کنار در خانه ایستادم، منتظر پاسخ سلام از جانب فاطمه بودم. صوت قرآن او فضا را پر کرده بود، اما کسی

۱. سوره نساء، آیه ۶۹.

۲. سوره حج، آیه ۵۲.

نزدش نبود. رسول خدا تبسم کرده، فرمود: ای سلمان! بدرستی که خداوند قلب و جوارح دخترم فاطمه را تا سراستخوانش از ایمان پر کرده است برای اطاعت الله!

- خداوند در سوره احزاب می فرماید: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)<sup>۲</sup> جز این نیست که خداوند اراده کرده است پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه سازد.

حضرت زهرا علیها السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و این آیه شامل حال ایشان نیز هست. ام سلمه می گوید: هنگامی که پیامبر و اهل بیتش زیر کساء (عبا) قرار داشتند، توسط جبرئیل این آیه در حقشان نازل شد. من عرض کردم: یا رسول الله آیا من از اهل بیت شما نیستم؟ فرمود: ای ام سلمه عاقبت تو به خیر است.<sup>۳</sup>

بنابراین حضرت زهرا علیها السلام دارای عصمت بوده است و این عصمت به سبب علم برای آن حضرت حاصل شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۶.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۳. المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۴۰۲؛ الاستيعاب، ج ۳، ص ۳۷؛ اسد الغابة، ج ۵، ص ۵۲۱؛ تيسر الوصول الى جامع الاصول، ج ۳، ص ۲۵۹؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۰۷.

چنانکه علامه طباطبایی می نویسد: افعالی که از پیغمبر به عنوان طاعت صادر می شود، اختیاری و از نوع افعال اختیاری ماست که بعضی از آن ها طاعت و بعضی دیگر معصیت است. اختیاری بودن فعل به این است که با علم و خواست فاعل صادر می شود و تفاوت طاعت بودن یا معصیت بودن افعال به واسطهٔ اختلاف صور علمیه ای است که موجب صدور آن ها می شود، یعنی اگر منظور شخص از انجام فعلی امثال از انجام فعلی او امر پروردگار باشد، آن فعل طاعت است و اگر منظورش پیروی هوای نفس و نافرمانی خدا باشد، معصیت است. چنانچه این صورت علمی که موجب صدور طاعت است (یعنی این که او امر خداوند باید صد در صد انجام داده شود) همیشه در نفس حاضر باشد، جز طاعت از او صادر نمی شود و برعکس... بنابراین علت اطاعت انبیا وجود علم آنها به اطاعت از پروردگار است!

پس عصمت از روی علم می آید و نادان نمی تواند معصوم باشد. و حضرت زهرا علیها السلام که معصوم است عالم است.

#### ۴- نشانه های علم حضرت زهرا علیها السلام

علم حضرت زهرا علیها السلام در رفتار، کردار، گفتار و عبادات آن

حضرت نیز نمایان است، لذا این نشانه‌ها را در موارد ذیل پی می‌گیریم:

#### ۴-۱. معرفت و ایمان

۱. بخشش قرص نان هنگام افطار که در سوره انسان (الدهر) گزارش شده، حاکی از نشانه‌های معرفت و شناخت عالی نسبت به حضرت زهرا و خانواده آن حضرت علیهم السلام از حق تعالی است؛ زیرا انسان گرسنه به ویژه پس از سه روز روزه گرفتن، حاضر نمی‌شود طعام خود را به دیگری بدهد، اما حضرت فاطمه علیها السلام برای رضای الهی و محبتی که به معرفت و علم خود نسبت به الله داشت، چنین کرد. (يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا)!

دانشمندان شیعه و سنی روایت می‌کنند که این آیات درباره علی و فاطمه و حسن و حسین و خادمه آن‌ها فضا نازل شد که برای بهبود بیماری حسنین علیهم السلام نذر کردند و روزه گرفتند در حالی که غذایی برای خوردن نداشتند. لذا علی علیه السلام سه

صاع جو قرض کرد و فاطمه علیها السلام یک صاع آن را نان درست کرد. هنگام غروب (هنگام افطار) در شب اول مسکین آمد، که سهم افطار خود را به او دادند و با آب افطار کردند. در شب دوم صاع دیگر را نان پخت، یتیمی آمد و درخواست کرده که آن را به او دادند. در سومین روز، از صاع سوم حضرت علیها السلام نان پخت. هنگام افطار اسیری آمد و درخواست کرد، پس آن را به او دادند و جز آب چیزی نچشیدند.<sup>۱</sup>

۲. دست‌های حضرت زهرا علیها السلام از کار زیاد منزل آزرده شده بود و علی علیه السلام برای کمک آن حضرت ایشان را تشویق فرمود که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برود و طلب خدمتکار کند. بالاخره حضرت فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و نیاز را مطرح فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجای دادن خدمتکار، تسیحات را به فاطمه علیها السلام آموزش داد. حضرت زهرا علیها السلام در حالی که از نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خارج می‌شد، سه بار گفت: «رضیت عن الله ورسوله».<sup>۲</sup> این کلام حضرت نشانگر معرفت و شناخت فاطمه علیها السلام است درباره معنویت و لطف الهی و اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهترین هدیه را برای دخترش خواسته است.

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۴.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲۰.

علم زهرا علیها السلام احاطه بر معنا و ارزش تسبیحات حق تعالی دارد. او دریافت که این اذکار، بهترین هدیه الهی است و از کمک انسانی کفایت می‌کند.

#### ۴-۲ در عبادت

امام حسن بن علی علیهما السلام فرمود: «ماکان فی الدنیا عبد من فاطمة علیها السلام کانت تقوم حتی تتورم قدمایها»<sup>۱</sup> در دنیا کسی عابدتر از فاطمه علیها السلام نبوده است. آنقدر (در عبادت) می‌ایستاد تا پاهایش ورم می‌کرد.

کسی که از روی علم و آگاهی عبادت خدا را به جا آورد، تحمل تورم پاهایش را دارد. هر کسی عبادت خود را به اندازه علمش نسبت به حق تعالی انجام می‌دهد. طولانی شدن عبادت نشانه معرفت و شناخت نسبت به الله است. بنابراین حضرت زهرا علیها السلام دارای معرفت بالا نسبت به حق تعالی بود که تحمل آن همه ایستادن را داشت و به تورم پاهایش در برابر آن لذت عبادت اهمیت نمی‌داد. علم به جایگاه الهی سبب می‌شود که شخص به عبادت طولانی و طاقت فرسا که سبب قرب به حق تعالی می‌شود، بپردازد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶ و ۸۲؛ ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۱۷۹.

### ۴-۳ در کلام

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»<sup>۱</sup> از اهل ذکر بپرسید. امام باقر علیه السلام فرمود: «نحن اهل الذکر»<sup>۲</sup> ما اهل ذکریم، از ما بپرسید. مقصود آن حضرت همه معصومان از این خاندان اند؛ لذا حضرت زهرا علیها السلام هم شایسته سؤال است و خداوند مردم را دعوت می‌فرماید تا از عالمان بپرسند نه از غیر عالم. انسان هم به طور طبیعی از کسی که آگاه و عالم است می‌پرسد.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: با توجه به آیات قبل که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، ظاهر این جمله (فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ) این است که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قومش باشد. پس در این جمله خطاب را عمومی گرفت تا هر کس راه خود را شناخته پیروی کند. آنان که از حقیقت دعوت نبویه خبر ندارند مانند مشرکان به اهل علم مراجعه نموده از ایشان بپرسند. آن‌ها که این معناراً می‌دانند، مانند خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گروندگان به آن حضرت، احتیاج به سؤال ندارند. کلمه ذکر به معنای حفظ معنای چیزی و یا استحضار آن است و به هر چیز که آدمی به

۱. سوره نحل، آیه ۴۳.

۲. تفسیر ابوالفتوح، ج ۱۲، ص ۴۳.

وسیله آن حفظ شود و یا مستحضر گردد، ذکر گفته می‌شود.<sup>۱</sup>  
راغب در مفردات گفته است: ذکر، یک مرتبه گفته می‌شود و از آن، آن هیئت و وضع درونی اراده می‌شود که انسان به وسیله آن امکان می‌یابد که مطالب و آموخته‌هایش را حفظ کند. ذکر به این معنا مرداف با کلمه «حفظ» است، با این تفاوت که حفظ را به اعتبار نگهداری آن محفوظ به کار می‌بردند و ذکر را به اعتبار این که محفوظ و مستحضر است. یک مرتبه هم ذکر گفته می‌شود و از آن حضور مطلب در قلب و یا در زبان اراده می‌شود. به همین جهت بعضی گفته‌اند: ذکر دو گونه، است، ذکر به قلب و ذکر به زبان و هر یک از این دو جور خود دو نوع‌اند؛ یکی بعد از فراموشی که به آن یاد آمدن می‌گوییم و یکی هم بدون سابقه فراموشی که در حقیقت ادامه حفظ است.<sup>۲</sup>

۲. امام صادق علیه السلام به فردی که درباره این آیه سؤال کرد، فرمودند: «الذکر محمد صلی الله علیه و آله و سلم ونحن اهلہ المسؤلون»<sup>۳</sup>. یعنی ما اهل بیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم و از ما سؤال می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام از اهل بیت پیامبر است که به دلیل این

۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۷.

۲. مفردات، ص ۱۸۱.

۳. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳۶۹.

آیه، از آن حضرت باید پرسش شود. براساس سیره عقلا، از کسی که علم دارد و می‌داند باید سؤال کرد. حضرت زهرا علیها السلام نیز محل مراجعه زنان اصحاب بودند و به آن‌ها معارف دین را آموزش می‌دادند.

امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ فردی که درباره این آیه سؤال کرد، فرمودند: «نحن اهل الذکر ونحن المسؤلون». شخص می‌پرسد: از شما پرسش می‌شود و ما سؤال کننده هستیم؟ حضرت می‌فرماید: «نعم». راوی می‌پرسد: بر شما واجب است که پاسخ ما را بدهید؟ حضرت می‌فرماید: «لا، ذلک الینان شئنا فعلنا وان شئنا لم نفعل» نه، به اختیار ماست اگر بخواهیم پاسخ دهیم و اگر نه، پاسخ ندهیم.<sup>۱</sup>

مرحوم طباطبایی می‌نویسد: ظاهر اصل در این کلمه ذکر قلبی است و اگر لفظ را هم ذکر گفته‌اند، به اعتبار این است که لفظ معنا را بردل القاء می‌کند و به همین اعتبار در قرآن کریم هم استعمال شده است. چیزی که هست، در عرف قرآن اگر این کلمه مقید بقیدی نشده باشد معنایش یاد خداست.<sup>۲</sup>

اهل هر چیزی و خاصه هر چیزی، نسبت به آن، عارف‌تر

۱. نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۶.

۲. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۸.

و بینا تر و به اخبار آن داناترند تا دیگران که می خواهند از آن امر، اطلاع به دست آورند. لذا باید به اهل آن مراجعه کنند و اهل کتاب های آسمانی همان دانشمندان هستند که تخصصشان در علم آن کتاب و عمل به شرایع آن است، آن ها اهل خبره و عاملین به آن علم اند. اخبار انبیاء را می دانند، پس دیگران باید به آنان مراجعه کنند.<sup>۱</sup>

به هر حال آیه شریفه، ارشاد به یکی از اصول عقلانی و احکام عام عقلی است، یعنی وجوب رجوع جاهل در هر فنی به عالم در آن فن. به همین جهت معلوم است که این دستور، تبعدی است و امرش امر مولوی نیست که بخواهد بدون ملاک عقلی دستور دهد که فقط به عالم مراجعه کن نه به غیر او.<sup>۲</sup>

درباره حضرت زهرا علیها السلام نیز مطلب چنین است. زنان جامعه برای فراگیری قرآن و آموزه های آن، احکام زنان و سایر مسائل باید به آن حضرت که سرآمد زنان هم عصر خود بودند مراجعه می کردند. به علاوه مطالبی را که فرشته پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای آن حضرت علیها السلام عرضه می کرد، مطالبی بود که جز حضرت فاطمه علیها السلام شخص دیگری از آن ها خبر نداشت. به همین سبب امیرالمؤمنین علیه السلام : به حضرت

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۵۹.

زهرا فرمودند: هر گاه فرشته آمد مرا خبر کن تا آن ها را بنویسم.<sup>۱</sup>

معروف است که می گویند:

تا مرد سخن نگفته باشد علم و هنرش نهفته باشد  
 ۳. جلوه‌هایی از علم حضرت زهرا علیها السلام را در کلام و سخنان آن حضرت باید دید. خطبه‌ها، سخنان، نصایح و دعوت‌های آن حضرت برای مهاجر و انصار (اصحاب رسول الله) نمونه‌های عالی علم و آگاهی آن بانوی گرامی است. خطبه آن حضرت در مسجد مدینه که با حمد الهی شروع می‌شود، سپس به بیان درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امامت و ولایت، علت‌های شریعت و احکام، می‌پردازند. این مباحث، یکی پس از دیگری علم است، علم حقیقی و واقعی که کمتر کسی از آن گاه است، مگر کسانی که با دقت و خلوص به این گفتار حضرت توجه کرده باشند.<sup>۲</sup>

۴. نیز در بیان آن حضرت با زنان مدینه در سرزنش اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «و تا الله لومالو عن المحجة اللائحة و زالوا عن قبول الحجة الواضحة لردهم اليها و حملهم عليها...» سپس در ادامه آن آیه شریفه ۹۶ سوره اعراف را متذکر

۱. اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. بنگرید: احتجاج، کشف الغمه، و دیگر آثار مربوط به خطبه حضرت

زهرا علیها السلام.

می شود که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». <sup>۱</sup> به خدا سوگند اگر او (امیرالمؤمنین) را در جایگاه خلافت قرار می دادند و از قبول حجت روشن سر باز نمی زدند، آنان را به ملایمت و سهولت راه می برد و چنان آنان را آرام در این راه می راند (پیش می برد) که کوچک ترین آسیبی از راه بر آنان نمی رسید و از قدم زدن در این راه خسته و ملول نمی شدند و آنان را بر چشمه ای از حقیقت که دارای آب صاف و فراوان بود (چنان پر بود) که از دو طرف سرازیر می شد، وارد می کرد و اجازه نمی داد که آب را گل آلود کنند و باطن آنان را از این آب حیات پر می کرد و در نهان و آشکار آنان را پند می داد ...

۵. نمونه دیگر کلام آن حضرت است که حاکی از علم ایشان است. چنانکه در قسم خوردن به خداوند، هنگام سخن گفتن با امیرالمؤمنین چنین می فرماید:

«وَالذِّيٰ اَكْرَمَ اَبِيْ بِالنَّبُوَّةِ وَاكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ...» <sup>۲</sup>. این کلام حاکی از علم و معرفت آن حضرت به مقام نبوت و مقام وصی نبی است.

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۹.

۶. زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: فاطمه علیها السلام برای شکوه درباره مطلبی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او صفحه پهن درخت خرما (کربة) (که معمولاً بر روی آن می‌نوشتند) دادند و فرمودند: به من بیاموز آن چه را نوشته شده است. در آن نوشته شده بود: من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یؤذی جاره، ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیسکت<sup>۱</sup>.

هر کسی به خدا و قیامت ایمان می‌آورد، نباید همسایه خود را بیازارد؛ باید مهمان خود را گرمی بدارد؛ و هنگام سخن گفتن، به نیکی سخن بگوید یا سکوت کند. این نقل حاکی از عالم بودن حضرت زهرا علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را می‌آزماید.

۷. عمار یاسر سلمان را گفت: تو را از حدیثی عجیب خبر دهم؟ سلمان گفت: بگو. عمار گفت: نزد امیر المؤمنین بودم که فاطمه علیها السلام وارد شد و به آن حضرت فرمود: علی نزدیک بیا تا تمام رویدادهای گذشته و آینده، و آنچه را که، تا روز قیامت روی می‌دهد، برای شما بازگویم.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۶۲.

۲. ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۱۸۵ به نقل از عیون المعجزات.

۸. مطلبی از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که از فرد دیگری نقل نشده است. آن حضرت علیها السلام فرمود: از پدر بزرگوارم شنیدم که فرمود: در روز جمعه ساعتی است که هر که در آن ساعت از مسلمانان دعا کند و از خدا حاجت خیر بخواهد، حاجت او برآورده است. عرض کردم: آن ساعت کدام است؟ فرمود: آن‌گاه که نصف خورشید در افق پنهان شود!<sup>۱</sup>

۹. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: در خدمت رسول خدا نشسته بودیم که آن حضرت فرمود: مرا خبر دهید که برای زن‌ها چه چیز بهترین چیزهاست؟ ما همه خاموش بودیم و جوابی نداشتیم. همه از دور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پراکنده شدیم. هنگامی که به خانه رسیدم، فاطمه را از کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادم. آن مخدره فرمود: بهترین امر برای زنان این است که مردی او را نبیند و او مردی را نبیند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: من به مسجد بازگشتم و رسول خدا را از گفته فاطمه آگاه کردم. آن حضرت فرمود: یا علی نزد ما بودی، نگفتی. امیرالمؤمنین عرض کرد: یا رسول الله، از فاطمه چنین شنیدم. رسول خدا فرمود: فاطمة بضعة منی.<sup>۲</sup>

۱. ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. همان، ص ۲۱۴.

این روایت نیز نشانگر علم حضرت زهرا علیها السلام است.  
۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خدیجه علیها السلام رحلت فرمود (و فاطمه خردسال بود) دور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گشت و می پرسید: مادرم کجاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ نمی داد. بالاخره پس از چند نوبت، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: حق تعالی می فرماید که به فاطمه سلام برسان و به او بگو: مادرت در خانه ای از مروارید است که دور آن طلاکاری است و از یاقوت قرمز آن را بنا کرده اند. سپس فاطمه علیها السلام فرمود: «ان الله هو السلام ومنه السلام والیه السلام»<sup>۱</sup>.

این کلام حضرت زهرا علیها السلام در خردسالی نشانه نهایت علم و معرفت آن حضرت به خداوند متعال است.

#### ۴-۴ مکتوب

سیوطی می نویسد: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حزن و اندوه بر حضرت زهرا علیها السلام مستولی شد. جبرئیل نزد آن حضرت می آمد تا هم صحبت آن گرامی شود و ایشان را تسلی دهد و آن جناب را، از احوال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و جایگاه آن حضرت و وقایعی که برای فرزندان فاطمه علیها السلام اتفاق خواهد افتاد خبر دهد. علی علیه السلام آن گفتار را می نوشت و بدین ترتیب مصحف

فاطمه تهیه شد. این مصحف علم وقایع آینده است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: در مصحف فاطمه چیزی از کتاب خدا (قرآن نیست) بلکه در آن مطالبی است که پس از رحلت پدرش بر او القاشد.<sup>۲</sup>

این مجموعه مکتوب که نزد فرزندان آن حضرت است مملو از علم است.

### نتیجه

حضرت زهرا علیها السلام برترین بانو در میان گذشتگان و آیندگان و شایسته‌ترین آن‌ها در همه صفات است؛ علم، عصمت، اطاعت، عبادت، خلق و رفتار، و... این مطلب در فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن حضرت علیها السلام نهفته است که با بضاعت مزجات در این گفتار به مواردی اشاره شد. چنان که ملاحظه شد بخشی از علم آن حضرت به سبب محیط پرورشی، و بخشی از طریق ارث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فاطمه علیها السلام تنها وارث آن حضرت بود و قسمتی به سبب موهبت الهی حاصل شده بود که چون تمام علم آن حضرت لدنی بود، زوال ناپذیر است.

۱. الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. بصائر الدرجات، ص ۱۵۹.

## منابع

- ابن اثير، على بن محمد جزري؛ اسد الغابة فى معرفة الصحابة؛ على محمد معوض - عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق ١٩٩٤ م.
- ابن الربيع شيبانى، عبدالرحمن بن على؛ تيسير الوصول الى جامع الاصول الى جامع الاصول من حديث الرسول ٦، بى جا، بى تا.
- ابن حجر عسقلانى، احمد. تعليق التعليق على صحيح البخارى، تحقيق سعيد بن عبدالرحمن موسى القزقى، الاردن، دارالكتب الاسلامى، ١٤٠٥.
- ابن حجر عسقلانى، احمد. تلخيص الحبير فى تخريج الراعى الكبير، دارالفكر.
- ابن شاهين، ابو حفص. فضائل فاطمة الزهراء، تحقيق محمد سعيد الطريحي، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٥.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله؛ الاستيعاب فى معرفة الاصحاب؛ تحقيق على محمد معوض - عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ ق ١٩٩٥ م.
- ابن عطية. المحرر الوجيز فى تفسير كتاب الله العزيز، تحقيق عبدالسلام عبدالشافى محمد، دارالكتب العلمية، ١٤١٣/١٩٩٣.
- ابن كثير، ابوالفداء. تفسير القرآن العظيم، دارالمعرفة، ١٤١٢.
- ابوالفتح رازى، حسين بن على بن محمد خزاعى نيشابورى؛ تفسير روح الجنان وروح الجنان، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ ق.

- افندی اصفهانی، عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ ترجمه محمد باقر ساعدی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۳۶۶ش.
- امین، سید محسن؛ اعیان الشیعة؛ تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳
- اندلسی، محمد بن یوسف بن حیان. البحر المحيط، تحقیق الشیخ عادل احد عبدالموجود، الشیخ علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲.
- آلوسی، محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. - بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳-۱۹۸۳
- بخاری، محمد بن اسماعیل. الصحیح، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- بیهقی، ابوبکر احمد. السنن الکبری، دارالفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ به شرح ابن عربی مالکی، قاهره، مطبعه المصریه الأزهر، ۱۳۵۰ق-۱۹۳۱م.
- ثعالی، عبدالرحمان بن مخلوف. الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالفتاح ابوالسنه و الشیخ علی محمد معوض و الشیخ عادل احمد عبدالموجود، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸.
- ثعلبی، احمد بن محمد. الكشف و البیان، تحقیق ابی محمد بن عاشور، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
- جزئی، ابوالقاسم بن احمد. التسهیل لعلوم التنزیل، دارالکتب العربی، ۱۴۰۳.
- حسون و مشکور، محمد وام علی، اعلام النساء المؤمنات؛ قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۱ق.
- راغب اصفهانی، حسین، معجم مفردات الفاظ القرآن؛ تحقیق ندیم مرعشلی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.

- سمعاني، منصور بن محمد. تفسير القرآن، تحقيق ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس، دار الوطن والرياض، ١٤١٨.
- سيوطي، جلال الدين. الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دارالفكر.
- سيوطي، جلال الدين. مسند فاطمة الزهراء رضي الله عنها، تحقيق حافظ عزيز بيك، هند، المطبعة العزيرية، ١٤٠٦.
- سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق - ١٩٩٠ م.
- صدوق، محمد بن علي؛ من لايحضره الفقيه؛ تصحيح علي اكبر غفاري، چاپ دوم، قم، بي تا.
- صفارقمي، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تصحيح و تعليق ميرزا محسن كوچه باغي، قم، منشورات مكتبة آية الله مرعشي، ١٤٠٤ ق.
- طباطبائي، سيد محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن؛ چاپ سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، ١٣٩٣ ق - ١٩٧٣ م.
- طبراني، سليمان بن احمد؛ المعجم الكبير؛ تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفي، چاپ دوم، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٤ ق.
- طبري، ابوجعفر محمد. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق صدقي جميل العطار، دارالفكر للطباعة والنشر، ١٤١٥.
- طوسي، محمد بن حسن، امالي، قم، انتشارات دار الثقافة، ١٤١٤.
- طبراني، ابوالقاسم سليمان. المعجم الكبير، تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفي، دار احيا التراث العربي.
- عروسي هويزي، عبد علي بن جمعه؛ تفسير نورالثقلين؛ تحقيق سيد علي عاشور، بيروت، مؤسسه التاريخ العربي، ٢٠٠٢.
- عمادي، ابوالسعود. ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، بيروت، دار احيا التراث العربي.

- عینی، بدرالدین محمد. عمدة القاری فی شرح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- غروی نائینی، نهله؛ محدثات شیعه؛ چاپ سوم، تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹.
- فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بی تا، چاپ دوم.
- قرآن کریم
- قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لاحکام القرآن تحقیق احمد عبدالعظیم البردونی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
- کحاله، عمر رضا؛ اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام؛ چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ ق ۱۹۸۴ م.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
- متقی هندی، علی. کنز العمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، ۱۹۴۸.
- هیثمی، علی. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸.